

## تکرار سیاست اشتباه و کاهش شدید تولید گندم

### داود چراغی، کارشناس اقتصادی

#### جهان صنعت

امسال مقدار خرید تضمینی گندم بشدت کاهش یافت و براساس آمار ارائه شده خرید گندم توسط دولت تا آخر مهر ۱۳۹۱ حدود دومیلیون تن کاهش یافته است. در این بین اگرچه وزارت جهاد کشاورزی تولید گندم در سال زراعی جاری را حدود چهارده میلیون تن اعلام داشته اما در صحت برآورد این مقدار تولید گندم در کشور در سال زراعی جاری، تردیدهای زیادی وجود دارد. در هر حال گندم از جمله کالاهای اساسی و راهبردی است که نقش و اهمیت زیادی از جنبه های مختلف هم در تولید و هم مصرف دارد. براین اساس نیز کشورها به خصوص کشورهای توسعه یافته حمایت های زیادی برای تولید بیشتر این محصول در کشورشان حتی به قیمت خیلی بیشتر از بازار جهانی می نمایند. همچنین تجارت این محصول در جهان، همچنان در حیطة قدرت چند شرکت بزرگ در کشورهای سلطه جو قرار دارد و این کشورها به طرق مختلف خواهان تداوم سیطره خود بر بازار این محصول اساسی می باشند.

شایان ذکر است تقریبا بیشتر کارشناسان و خبرگان کشاورزی، ایران را کشوری مساعد برای تولید گندم و ظرفیت و توان تولید گندم در ایران را خیلی بیشتر از نیاز داخلی می دانند. بطوریکه در اواخر دهه ۱۳۷۰ و اوائل دهه ۱۳۸۰ دولت با اتخاذ سیاست ها و اقدامات مناسب، موجب افزایش تولید گندم و نه تنها آرزوی خودکفایی در تامین نیاز مصرفی گندم کشور را تحقق نمود بلکه حتی مازاد مصرف این محصول را به سایر کشورها صادر نمود. اما در سالیان اخیر همراه با رشد تورم و به تبع آن افزایش قیمت کالاها و خدمات، قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی و به خصوص نرخ خرید تضمینی گندم، افزایش نیافت که این امر در نهایت موجب کاهش تولید گندم در کشور گردید. البته همراه با کاهش تولید، باتوجه به افزایش قیمت علوفه و همچنین افزایش قیمت گندم در بازار داخلی، عرضه گندم به نهادهای متولی خرید تضمینی نیز بشدت کاهش یافته است. در این بین همان گونه که اذعان گردید بخشی از گندم تولیدی کشور باتوجه به افزایش قیمت علوفه در کشور، برای خوراک دام تخصیص یافت که این امر نیز مسائل و مشکلات زیادی برای اقتصاد کشور بوجود آورده

است. در هر حال وضعیت فعلی نظام تهیه، تدارک و عرضه گندم کشور نسبت به اوایل تا اواسط دهه ۱۳۸۰ تفاوت زیادی پیدا کرده و این وضعیت همانند وضعیت سالیان اوایل تا اواسط دهه ۱۳۷۰ شده است. قابل ذکر است در آن سالها نیز دولت باتوجه به تخصیص نرخ ارز ارزان برای واردات گندم و در نظر گرفتن نرخ خرید تضمینی پائین البته با این توجیه که قیمت تامین هر گیلو گرم گندم از بازارهای جهانی کمتر از قیمت خرید تضمینی از داخل است. با هر گونه افزایش قیمت خرید تضمینی مقابله می نمود و افزایش قیمت را تورم را اعلام می داشت. بدین ترتیب در آن دوره، تولید گندم در کشور هر سال بیشتر کاهش می یافت و کسری مورد نیاز از محل واردات تامین می گردید و طی مدت کوتاهی ایران به بزرگترین واردکننده گندم در جهان تبدیل شد. بطوریکه سالانه بیش از پنج میلیون تن گندم به کشور وارد می گردید. همچنین تخصیص مبالغ زیادی یارانه های ارزی و ریالی برای نظام تهیه، تدارک و توزیع گندم کشور نیز موجب ارزان تر شدن قیمت گندم نسبت به سایر محصولات زراعی به خصوص علوفه برای خوراک طیور گردیده و این امر موجب سوق یابی مرغداری ها برای تخصیص گندم برای مصارف پرورش دام و طیور بجای علوفه های مختلف (بیشتر از همه ذرت) شده بود. درحالیکه در بازارهای جهانی هم قیمت ذرت کمتر از گندم بود و هم ذرت خوراک مناسبتری نسبت به گندم برای پرورش دام و طیور بود و حتی جایگزینی گندم بجای ذرت موجب چرب شدن گوشت مرغها و ضرر و زیانهای بیشتری شده بود. در هر حال سالیان زیادی کارشناسان و خبرگان کشاورزی و اقتصادی تلاش نمودن تا نهاد متولی در دولت را متقاعد نمایند که تخصیص ارز ارزان برای واردات کالاهای اساسی موجب وارد نمودن زیانهای مالی زیادی به اقتصاد کشور از جنبه های مختلف می شود. ضمن آنکه تعیین نرخ خرید تضمینی محصولات کشاورزی باتوجه به قیمت خرید این محصولات در بازارهای جهانی البته براساس نرخ ارز ارزان، به مرور موجب سوق یابی یارانه های کشور به سمت تولیدکنندگان و عرضه کنندگان محصولات کشاورزی در بازار جهانی می شود. این چنین وضعیتی تنها در نظام تهیه، تدارک و توزیع گندم نبود و در زمینه بسیاری از محصولات کشاورزی نیز همچنین رویه هایی همانند سالیان فعلی اعمال می گردید. بطوریکه در سال ۱۳۷۶ دولت علی رغم تاکید کشاورزان چغندرکار برای افزایش ده ریال برای هر کیلو گرم نرخ خرید تضمینی چغندر قند ایستادگی نمود و حاضر به قبول آن نشد، اما در آخر آن سال با کاهش شدید تولید شکر در کشور بدلیل عدم صرفه برای کشاورزان، دولت مجبور به تخصیص مبلغ دویست

میلیون دلار برای واردات شکر گردید. در حالیکه در ابتدا با تخصیص مبلغ ده ریال به قیمت خرید تضمینی چغندر، اولاً مبلغ تخصیصی دولت خیلی کمتر از دویست میلیون دلار بودجه ارزی (با نرخ بازار آزاد) تخصیص یافته می گردید. ثانیاً این بودجه در اقتصاد کشور به کشاورزان و در کل در اقتصاد کشور مصرف می گردید. اما متأسفانه چنین اقداماتی به کرات در تصمیم گیری های اقتصادی کشور مشاهده می شود. در هر حال باید توجه داشت که منافع کل اقتصاد همواره در نظر گرفتن نرخ ارز واقعی و جلوگیری از تخصیص نرخ ارزان برای واردات کالاها و خدمات مختلف از خارج کشور است. در کل دولت در سالیان آخر دهه ۱۳۷۰ و همچنین اوائل دهه ۱۳۸۰ با اصلاح برخی سیاستها همچون افزایش نرخ خرید تضمینی به قیمت مناسب و به صرفه برای کشاورزان، به همراه تخصیص ارز به قیمت بازار آزاد برای واردات کالاهای اساسی، موجب افزایش تولید گندم در حد کفاف نیاز داخلی و حتی صادرات آن گردید. اما در سالیان اخیر با دوری از آن سیاستها، مجدداً آثار و تبعات منفی زیادی نظام تهیه، تدارک و توزیع محصولات کشاورزی و به خصوص گندم را همانند دوره قبل از ۱۳۷۷ را گرفته که موجب کاهش تولید این محصولات در کشور شده است. بطوریکه در حال حاضر کشور نیاز به واردات مقدار زیادی گندم از بازارهای جهانی دارد. ضمن آنکه با تخصیص ارز به نرخ کمتر از بازار آزاد برای واردات کالاهای اساسی همچون واردات گندم از بازارهای جهانی، دوباره به سمت سوق دهی اعتبارات ارزی کشور به سایر کشورها بجای بازار داخل داده شده است. در کل اگر دولت در زمان مناسب اقدام به افزایش نرخ خرید تضمینی با توجه به نرخ تورم می نمود، در آن صورت تولید گندم در این حد کاهش پیدا نمی یافت. ضمن آنکه با برهم خوردن توازن قیمت گندم و علوفه، مجدداً بخشی از گندم تولیدی و وارداتی نیز برای مصارف خوراک دام سوق یافته و در نهایت مقدار خرید تضمینی گندم بشدت کاهش یافته است. قابل ذکر است با محاسبه ای ساده بهتر می توان منافع و سود افزایش نرخ خرید تضمینی با توجه به نظر کشاورزان و همچنین در نظر گرفتن نرخ ارز به قیمت بازار آزاد برای واردات کالاهای اساسی از جمله گندم را برای اقتصاد کشور، با توجه به آنچه در این گزارش ذکر گردید را نشان داد.

فرض شود قیمت خرید تضمینی از قیمت ۵۵۰ تومان فعلی به ۷۵۰ تومان برای هر کیلوگرم گندم خریداری شده از کشاورزان افزایش می یافت، در آن صورت دولت باید برای خرید حداقل ده میلیون تن نیاز مصرفی (برآوردی) گندم کشور جهت مصارف صنفی و صنعتی کشور، اعتباری برابر دو هزار

میلیارد تومان بیشتر تخصیص می داد. اما در صورت عدم افزایش قیمت خرید تضمینی و کاهش تولید همانند سال جاری برای واردات کسری گندم کشور، فرض می شود که لازم است حداقل پنج میلیون تن گندم از بازارهای جهانی وارد گردد. البته این مقدار کاهش خرید گندم دولت هم بدلیل کاهش تولید و هم سوق یابی بخشی از گندم تولیدی برای مصارف دام و طیور است. قیمت هر کیلو گندم وارداتی با توجه به متوسط قیمت ۲۹۰ دلار در هر تن در سال ۲۰۱۲ در بازار جهانی و حداقل سی درصد برای هزینه های مختلف جهت انتقال به داخل کشور و همچنین نرخ متوسط ۲۵۰۰ تومان برای هر دلار در بازار آزاد، حدود ۹۴۳ تومان می شود. در نتیجه قیمت پنج میلیون تن گندم برای اقتصاد کشور حداقل برابر ۴۷۱۵ میلیارد تومان می شود که بیش از ۲/۲۳۶ برابر مبلغ بودجه مورد نیاز برای افزایش خرید تضمینی بوده است. همچنین این مبلغ در افزایش خرید تضمینی به کشاورزان کشور و در داخل اقتصاد کشور پرداخت می گردید اما در صورت تخصیص بودجه ای برای واردات، آن مبلغ از اقتصاد کشور خارج می شود. همچنین دو هزار میلیارد ریال بودجه مورد نیاز برای افزایش نرخ خرید تضمینی را دولت با فروش ۸۰۰ میلیون دلار در بازار آزاد تامین می نمود که خیلی کمتر از مبلغ ۱/۹ میلیارد دلار لازم برای واردات پنج میلیون تن گندم است. ضمن آنکه با این اقدام فشاری نیز بر بودجه دولت وارد نمی گردید. البته این رابطه ها اگر با نرخ ارز ارزانتتر از قیمت بازار همانند نرخ ۱۲۲۴ در نظر گرفته شود آنگاه کاملاً به صرفه خواهد بود که بجای افزایش خرید تضمینی گندم دولت اقدام به تخصیص بودجه برای تامین کسری مورد نیاز از بازارهای جهانی نماید که در این حالت منافع دولت با منافع اقتصاد کشور متفاوت می شود. براین اساس برای هم جهت شدن منافع اقتصاد کشور با منافع دولت لازم است قیمت های مختلف واقعی گردد تا تصمیمات و اقدامات اقتصادی دولت، اصولی و اساسی و در جهت منافع ملی گردد.